

نجم باستان

۱۳۲۹

شماره اول

۲۲ ربیع الاول ۱۳۲۹

فهرست مندرجات

- | | |
|---|--|
| ۱ | آئینت عید نوروز |
| ۲ | بشارت . مکالمه آقای طالب |
| ۳ | اعلام بهائیان به عالم سیمیت |
| ۴ | الواج در باب سفر حضرت عبدالبهاء به آمریکا |
| ۵ | نشر امرالله در ممالک روسیه و نقل مقاله روسی |
| ۶ | ترقی و پیشرفت امر بهائی در سده اخیر در ممالک عرب |
| ۷ | در باب نوشتن نامه مقالات در تاریخ حیات حضرت باب و بهاء و عبدالبهاء |

Persian Editorial Office:
NAJME BAKHTAR,
1800 Belmont Road,
WASHINGTON, D. C.

صنعت اول

جلد دوم

شماره ۱

۲۱ مارس ۱۹۱۱

قیمت مشترک

مجموعه باستان

۱۳۲۹

۱
Vol 2
910
ماه بی ۶۸
سال یک اول

این جرید بر حسب تاریخ بهائی هر نوزده روز چاپ و توزیع میگردد و در نهایت گزلاهی در مسائل کجایکی بزرگو وحدت ادیان و ترقیات عصر و پیشه علوم و فنون این قرن جدید و تربیت اطفال و پیشرفت امر حضرت بهاء الله در اطراف جهان و توحیح عقائد این دین عظمی خواهد داشت مخالفت نمید که موافق کسبک اداس است قبول دانش خواهد گردید

تتمت عید نوروز
 در این یوم میمنت مسعود که عالم طبیعت حیوانی را مگر گرد و کوه و صحرا باشد
 نور دین بر بر خیزند در همان بر نعمت بستی قلب سلبر در دونه آوند
 بهائیان را خصوصاً و اطفال انسانی را طبعاً بترکیب انیست بگویم و امید
 وادیم که در این سال جدید دلبر امید برقع از چشمان زمین بر اندازد و در کجاست
 برادر کائنات بخت و الفت بدور کند حقائق روح پروردین بهاس
 بر اولاد آدم بدشمن تر گردد و بچشم تعالیم و نصایح این امر از آفاق افشا
 مخصوص طالع شود دین حضرت بهاء الله بهارده عالی در بیج و جودان
 که از مرد رسالت بطرفش مرن آزند گردند و از جوان ماه ظهورش
 نشانه بسیار شود در ظل اشیا بر بردندش سادین خسته را
 جویند از شهنشانه بیجان خویش آوندش لرداح با هرگز و طوبیای
 از مرد و جنگ و جهاندیشش بر زده گمان سرزند و حرم گردند سلطنت
 عظیمایش گنج لایق بچشد و رحمت بگوایش بقای ابدی عطا نماید پس
 در این اول یوم بهار جان پرور سینه ۶۸ یالی که بهترین ایام محسوب بهائیان بود
 و لقب را بر سر و جود حیات جاریزیم و در خدمت نوع بشر آنها را شایع
 و تحریک میانیم زیرا فی الحقیقه هر روز یککل عالم با مراض جنگه گرفتار گشته
 و اطبای حاذق مل در شفا این مریض ستری حیران و مگر گردان مانده
 ولی خداوند مجید علاج بر آت و در این ناخوش بر اول تعالیم و نصایح این
 و دیه گذارد و یاران خالص خود را حکمای حاذق نماید است
 یا بخت بهائیان جان پاک مستولیت بزرگی قبول موند که
 این علم را از هر گونه ظلم و جور مظهر نمایند مشاعل علوم و فنون را در
 هر گوشه روشن کنند سحت خیر را در جنت خفرا نمایند ست کانه
 تو این عدالت و حریت و اخوت را در میان بنی نوع انسان پیش
 دهند جار جهان ترقی و پیشرفت گردند و رجال ادلی الودعزم اتحاد
 و اتفاق
 را یقین جهان است که در این سال آیند نیت بزرگان زمین

امر بهائی را ترقیات لغیم در پیش است و ننگه گذشته ای حکمت
 بگویش در روز یکت در صبح اطراف عالم خواهد رسید باید اتفاق انکار
 توسعه داد باید در شرفی است لقه جان بازی کرد باید در اقله کلمه تبدیل بر سر
 و باکت شد باید در تربیت نفوس و ایقظا انشد کوشید باید
 وحدت بزر و صلح عمیر امیند کرد باید در تبلیغ مردم دست از مال اچا
 شت باید به نظر اگر توجه نمود باید نیت بکل ادیان بخت حقیقی
 داشت باید وجود را بصفت عالیله و کمالیت بشری زمین نمود باید
 را دانای بی هوش از راه شستبار کران را شنودا که در آن در این کمال
 گوید دشمنان را در عدل و شت خطا و حقن کرد نماید رجب اداس
 این که ندش مسلوکی نماید که نهند آفتاب از سائر نفوس منان
 شویید بر نفس لذت که در هر شهری دلد کرد و کلت دخی و صدق و صفات
 و است و دیات و هر بهائی بجوم عالم اسانی مشا ربانین گردد و حج
 اهل شهر گویند که این شخص یقین است که بهائی است زیرا اظهار حرکات
 در دیش مسلوک و خلق دخی بین شخص از خصائص بهائیان است
 و اگر نیت بهائیان عالم در این حال آیند بهین صفات طحته و اخلاق
 به فتح در آن قلب مشغول گردند الله قول ملکوت آنها را نماید خواهد نمود
 بر عددشان افزون خواهد شد به باکد امنی و صدق نیت بیشتر
 از پیش شهور آفاق خواهند گشت
 ای بهائیان شرق دست بر بهائیان ضرب دهید! ای بهائیان
 با بهائیان شمال رشته وحدت را محکم کنید! وقت وقت ترقی است
 نه تقوتر جمع طوع آفتاب علم است نه شام ظهور بزروجل قرن
 نهائش بدایع کمالیت است نه حکام بروز نواقص بشری باید است
 را غنیت شود و مانند سبیل بر آشوب لذت کوه جهان جاری شد خاور
 و خاشاک نفاق و عدالت و جلالت باغفتار را از بطنی قدم بی نوع
 انسان بر لاده گلشن کثیف را گلشن طریق کنید جهان طمیت را عالم
 نور نماید زشتان مردود بر طریف فرمایید و فرد بران خاکت را

علاقمندی عالم افلاک کنید: غافل باش از غافل در باب احصای
شاید نتوان یافتن دیگر چنین آیات را.

بشارت

الحمد لله که ششم باختر سال اول را پیون و از این روز قدم در سال دوم
میگذارد. اگر چه هفت شمشاد آن تماشای انگلیسی چاب گردید
نست فارسی نه شمشاد هشت شروع شد ای بدان تعویق و تعطیل تمام نوزد
شما بود خود حیات و نیت گردید. لهذا از بسیاری گذشته کن نظام
که هفت شمشاد اول را خواسته اند غنچه نوحا هم که در ستان آن ترست
زیر تمام توزیع گردید در ادراس موجود نیست بجان اگر هم در سال آن ممکن
بود چون از اول با باغبانگیسی است که تازه ترین تنفی از دولت آن حاضر
خواهند بود. ولی از این شمشاد اول سال دوم چنانچه دید میشود حضرت
را بزرگتر جدیدی بر آن افزودن شد و امید داریم که این ترس از اسب
از دیار شتر کین گردد تا باشد آنکه خالی در اول سال سوم باز در
را تو سودان در حضرت یارین تن و غیب بهتر خوشتر بگوئیم
عزیزترین امید اعضا پنجم با خرمها چنانچه در طریق احتیاجی این
اخبار است بهمانی در ترویج اصول جانپور در این دین عمومی است زیرا
در وسط اغراض جمع از مردمان بر طرف خواهد شد. از سبب است
که آدم با طبیعت دست در حقیقت است و دانش بخواهد به قدر امکان در حقیقت
بفرض زمانی جوید. متذکر سفلیان ز درع بخواهند که با شنی اخراج شده که
مدی آن نشسته و خرج ای آن از گیم طرف سادگی گذرم سارین دانند
دیگر دست است می کند البته از این ماسین را بر زحمت در دادستی ترجیح
خواهد داد. و یا اگر فلان حکیم مدینه قدم را حالی کند که در دست تب در نوبه
گفته که از فلان زبان بوشه مؤثر تر است شکی نیست که مرضای خود را
توان زدیم به خود کنگه ز رفیع خواهد کرد. و یا اگر بهمان سینه اندوه
در این ثابت فرماید که ای مرد محبوب عدل و داد بهتر از ظلم و افسوس
است مشروطه بهتر از استیلا و آفتاب بر برای و ندادی بهتر از جوع و سوز
کج ششی و خود بینی ما را یقین است که معظم ایه صفات ادلی را بر دانی
بهر که درجه اقیاز خواهد داد و بر نادانی و جهل قبل خود تخر خواهد کردید که چگونه
آن همه سنو است که در نادان بود و اگر در اول مردم از او ترسیدند حال
در داد است میدارند اگر نه جلوی او قرار میوند حال چون صفتی بی نظیر
در دست جمع میوند اگر بغرب خوب و جهان با بیات میوند حال مردم
بسیل خود می آورند اگر رانی ضعیف و فقیر نادان بودند حال قوی دغنی
و عالم گشته اند. بهین دلائل اصواته می توانیم ثابت کنیم که نفوس که خود
را دشمن امر بهائی فرض میکنند لزومی نادانی است و اگر نگاهند بر اساس

این امر آگاه گرداند با سانی ممکن زیرا بر چیزی را که انسان با تمام توانی خود
ان چیز برای او تفسیر خواهد گشت. حالا فرض کنیم که طالبی نزد فلان
رفته پرسد: "آقای من تقیر این بهائیان که انقدر ظلم با شما روا میکنند
چیت؟" آقا: "این بهائیهای ملعون میخواهند دین شریف اسلام
را کورنا بود کنند. طالب: "آقای عزیز من این چه فریاشی است
میفرماید حضرت بهائیان بزندان امر ایشان ایران و در دستنی ای
هندی و سیویان اردب و آمریکا را به حقانیت این دولت
مخدوم پیغمبری و دعوت نون اند و حضرت ایمان آورده اند." آقا:
"عجب! چه طور چنین سینه ممکن است این تا بحال امیران نشید بودم
اما این همه علم نقد و حصول در دستن حادثی محم و حفظ نمودن آیات
قرآن و احادیث در فرقه سینه قدم نتوانسته ایم صاحبان ایمان
به اسلام دعوت کنیم این بهائیان عنانند که در طریق حق خارج گشته و چون
به چنین امر غیر ممکن متوسل گشته اند که از چشم خود می بیند که نفوذ در سوز
سیاهی در محاکم اسلام زیاد شود. خرمین این مطلب با بدینی
کنیم باید انهم از حید و تدویرشان باشد. طالب: "بجان و ترس
شودان در این در ترویج حق و غیر قابل انکار است من در ایران سفر کرده
زیر بهندستان با در دولت انداخته ام در اردما و آمریکا با بهائیان
در سری در بار این بهائیان نون هم در سری نشان داخل گشته ام و بکن
ایقین میدانم که این پروردان نوبان مختلفه توسط آنها ایمان به حضرت
رسول آوردند در کیک بکلی حاضر بودم که خانم امری بهائی کسب حجاب
بدلائل و ضمه در این متقه بهین اسلام دعوت نمود و آخر اندر نشین از
ججوی ششیر ز مناسج بهین ان خانم هم اختیار کرد. آقا: "در چنین است
و دین بهائی این خدمت بدیع را بدین اسلام نماید چرا تا بحال با اطلاع
سید انکره ام و بر حقائق این بهتر از روحانی آگاه گشته ام. طالب
از این مطالب سبب اطلاع یافته اید زیرا آنچه امید بفرمود چشم
و گوش خود را بسته اید قلب که باید مانند آینه و چشمان باشد با هر
نفسانی تیره و تاریک اید. کتب حضرت را مطالعه نموده اید با آنها
نی غرضانه محبت نفرموده اید و بی جهت ابدان تعقیب فتوی به قتل و
قتل بیشتر از بسیت نرزد مردوزن و اطفال و ان اید این بهتر نیست
و صادق ترین خادین اسلام را در زیر شکنجه در آورید و زنده بر صم باین
برادران و خواهران و اطفال معنوی خود نرمودید. آقا: "عجیبی من
چنین ظلم را در داداشتم محبت ای شما بدون صفی دیگری است دشمنان
می مانند که العیاذ بالله شام از این طایفه مردود هستند. طالب:
"من بهائی هستم یا نسیم خارج از این محبت است ولی دقیقتر میگویم شما

چنین و چنان کردید مقصود نوع شاست نه شخص شما. آقا. بسیار خوب
 دلی بگویند برینم شنیدیم که این بهائیان مستبدند دوست و سلطنت
 مخلوق ظلم هستند؟ طالب. ایوای اینهم کی از استیانتان
 است. آقای سرور من! بهائی یعنی که ادوی جو. ترقی خواه مشروط طلب
 متدین مسلم ایران دوست. عدالت پرست. بهائی و مستبد مثل من است
 که بگویند آشتی در جهنم پیدا شد و یا میل در خواب مسکن نون چه طوری شود
 بهائیان مستبد پرست باشند در صورتیکه بی عمل که اسم دیگری است
 برای مجلس ملی کی از اسامی دین آنهاست! حضرت عدلها بیفرمایند -
 چهل دو سال دوزخ و سوز و شکنجه عید انجید بر بروم و همه را از فکر ایران بودم
 من بخوابم شرق و غرب عالم را بهم متصل کنم بجز ایران و آنکه تا درجه پنجم موقی
 شد ام ایران وطن من است من زبانم خوراک منم قلم رفاهم ایران
 است و همه صدقات و مصائب برای ایران بود. حال در این بیانات
 درست سخن فرمایند چطور میشود چنین نفوس دشمن اسلام و مشروطه در نظر
 باشند حضرات هر چه داشته و دارند ضای استقلال و عدل ایران خواهند نمود
 و خواهند ایران تمدن ترین و با رفعت ترین ملل عالم گردد و ایرانیان اشراف
 ملل گردند با وجود اینطالب معروفند که هیچ حقیقت است هر چه شنیدیم
 و فرقه و شبهات اشخاص جاهل است. آقا. فی الحقیقه شما توحشی ت بیفکر
 نمیدید بعضی نیت را ارفع گردید و اگر چه من باین دلائل تابع نمی شوم ولی نقداً
 جواب پنجم را هم دلی بطور رسیده اظهار دارید که فعلاً اصلیه این دین چیست
 و جهت ایمنه غوغا و ضوضا کرده و افغان چه و چرا فتنه دوزگان و غرب
 در تحصیل آن اینقدر میکوشند و در این قلیل وقت کتب زیاد در این باب
 تصنیف نمودند؟ طالب. این مطلبی است بسیار آسان
 فغانه بهائیان اولی ایمان به خداوند لا شیه و لا شریک غیب مع لا یدرک
 و بعد قبول پیغمبران و انبیاء و مرسلین. نهی از شرک و ارشاد به تعوی. حقیقت
 جمیع ادیان. وحدت بشر با ان غوی صلح و سلام. منع از جنگ و جدال
 اخوت کل ملل. مشاورت و مشاوره. منع از سبکدوشی. برهیز از تریاک
 و تنکو. تربیت دختران و پران بدون فتنه. افتتاح مدارس عمومی و کفایت
 احرام نوان. عدالت و درانت حکومت ببت بر عیال. باز نمودن جنگهای
 غنی برای سواست جریان امور تجارت و فلقت و هفت. انش و حقائق
 مدینه. صاف نمودن لطق. ساختن راه آهن. تخریب و خلع و زار عین
 و کارگران. بید نمودن خیره کننده ادای. تحصیل علوم و فنون. تعمیر و دیانت شهر
 بناه و بار قیقا. کندن معادن. عظمت و استقلال ایران و بیکومنی و فرخواری
 بر جمیع مردمان. آقا. محبت بجهت انما را بر توری اندازید. بخوابید
 که بهائیان بر این مباحث غایب اند این مسائل تمام مطابق اصول حقه دین
 اسلام است و ما هم برای حصول همین مراتب در این چند سال جان

بگفته ام و از هیچ اسکالی رو نگردانید ایم و نخواهیم منت را همین دست
 که بان توبی فکر کردید ترقی دیم پس چرا هم عمرای من انقدر این بیچاره
 کشند و بد بزرزند و اجسادشان را قطع قطع نمودند و اموال آنها را
 تاراج کردند؟ طالب. بی آقای من جمیع این ظلم از روی بی
 اعتنائی هم عمری ما شایب بود که بدون بی بردن بر اصول دین چنان است
 بر قتل و غارت آنها قیام نمود ایرانیان را در نظر دول مزب و وحشی
 و آدم کشی و تسبیح مشهور ساختند و این نکته سیاه را بر تاریخ ایران
 نهادند. آقا. واقعا شما قدری چشمهای مرا بر عیوبات اصلی
 فرمودید پس چه قدر خوب است که این اغراض بوسیله بی سنی را کنار
 گذاشته در نظر این اصولی که شما اظهار داشتید بدون مدح و ستایش بی سنی
 و ظلم و ستم و بیگانه گریز و در نهد اساس استقلال ایران داشته بود
 جدید است بدست هم بگردان یکت دل یکت جان کجوشیم. شما که گوی اوز
 این طایفه تشریف دارید بدینست. اینست که با آنها بگویند برینید چه اظلام
 خواهند داشت! طالب. واقعا جان سخن را فرمودید و در بیان
 راستید. اگر من بتوانم سزا آفایان محرم را هم بمقتدر قانع در ارض تمام
 ترقی و استقبال ایران محترم در روشن است.
 خدعه القول از این سؤال و جواب مرته بدست قارین خواهد کرد
 که مسکنت آینده بخیم یا خیر چیست افکارش در چه عوالمی سیر میکند و امید
 داریم که درین طرق هدایت و شایبهای بجمالهت را در جلو گرفته برود
 ایام بردان ایران بل بسکنین جهان بفهمانیم که مرام بهائیان چه و مصائب
 آنها که چه قبیل است.
 اعلام بهائیان بر عالم مسیت از بیانات عبد بها
 اینها اتاس! ابواب حکومت مفتوح گشته و انقاس حقیقت در عالم طالع شد
 چشمهای حیات جاری گشته بر سجدهت ظاهر شد نور اعظم معین نمایان
 گردید و قلوب نامس را روشن نمود است بیدار شوید بیدار شوید
 دندای الهی را استماع نماید که لذت جمیع جهات عالم اعلا صلوات بیاید بسوی
 من ای انباء انسان بیاید بسوی من ای تشنه گان و بنوشید لذات
 آسایشین که لذات طرف ارض سیلان نماید حال دقت است حال
 مقبول است ملاحظه فرمایید هیچ نمائید اگر مردم فهمید بودند که روح الله است
 پس بلبان بستان خود با آنها تکلم بنمایید آیه سید سید خبر و توقف
 نمی نمودند تا ایمان بیارند حال آیه است که شما در ستر است حقیقت
 خفته باشید و حال انچه بر سر آمده و اعظم باب فضل رحمت خود را برود
 سؤال است. پس چرا مثل مردمان قدون ادلی باشیم که در شنیدن این
 گریه وند و لذت زیارت جمالش کور و محروم مانده بلکه بایست سعی نماییم و عیب

و دیده گشتیم تا شام که گویش خود را باز داشتند بشویم و قلوب
 خود را پاک و منزه داریم تا پرتو آسمانی در جگرمان منزل گیرد این ایام ایام
 ایمان و اعمال است نه ایام اتوال و گفتار از خواب غفلت بگریزیم
 و بکیقت ملاحظه کنیم که چه جشن عظیمی برای ما گسترده شده است از این جشن خود
 مروتی گردیم و بعد بان که نیکو نشسته اند حیات در گشته باشد جان بدندان
 بسته بخوریم و بنوشانیم این ایام قیام برست نعیم بگذرند و همیشه نرد
 رفت دیگر بدست نیاید پس ایام که آفتاب حقیقت شفا طبع است
 در مرکز شایق الهی و افق ایمان قدم کنیم و بکدام مستوح گردیم نور طاف
 در سلوک است و عظمت ظنون را در دام عدم خوابدست جویند و در شایق
 تا که نیکو خدمت برود کار خود تا نند گشت و نصرت نماید دیگر نشود
 قدوس خلق کند استغذ گردد نشاءت ظهور بپزند گشته و نفس را در
 عبودیت با جود بگردانند مرکز ایمانی و خوب آفتاب جود بسیار در ارض ظاهر است
 و کائنات کسوت الهی را در است دارد آری صلوات است در کجای برکت بگردد
 عالم کل ممل بر آفتاب و تجار و بیگانهی صمد برسد و بنور حقیقت این دعوت مجامع
 ابواب حکمت به بر آمدی خلق باز نمون و حرایط است بگو ابراهیم که
 خادم اهل عالم است و شفقت کل با او است و باین خدمت و عبادت
 مقدسه عالم انسان است حجت حکمت رحمان خواهد بود مقصود در
 خدمت سلطنت الهی است در عالم ماسوت و خود مستدان و مدای سوی صورت
 مسیح بسفت ارض مین گردانم و آیت بود در شفقت نور است
 سزاست و جنس مین است بر جنس سجی و عذاب و جنس ستم
 و اعدام واحد است در هیچ در پس و گن این مکتوب روحانی آسمانی فصل
 و مکتوب است از این مکتوب است و جز این بر جنس در جمیع قلوب را اعصاب
 و تامل

در لوح دیگر میفرماید: " سرود آمدن من را با برکت ملاحظه نمودی از خدا
 خواهم دید این امر کث چنان روشن گرداند که انوار بخشش بر تو برکت
 ترک و نجات زد و گشت مغاطیس جانی در اندام تو تحقیق باید که عبد الهی
 را تمام قوت جذب و جلب بان محاکم کند ایس بر این طبع نصد به بعد "

و در ورق امربهائی در محاکم در سینه بند است
 و قانع نگار از یاد کوب میگوید: " اگر از انوار هدایت و خلق امر است در این
 بخواید بگذرید در علم عهد و میثاق بر توفیق بند است و در این جهت شکرش
 در شکر این ایام بواسطه کثرت اقبال سفین و تخری کاین حقیقت در اول
 در در کان علوم و جهون آفاق و گن بقدرت الهی در اندام قیام سلوک و خفاش است
 گردید و نامی هم نام است و صوتا در در ای جود کفیل عمومی مقصد نفوس
 هر تیس در هر مری در کفیل حاضر و باستان کلمات و شنیدن عیلمت الهی بجان
 جود طالع و شایقند و در طرب سحر است اگر چون است در این ایام کسب
 عنوان تائیس گردید در ایام سعته روزی که بیشتر بعد از ظهر است
 در کفیل تشکیل گردید و در ایام سعته روزی که بیشتر بعد از ظهر است
 قودت آیات و حجت برید و این در اعظم معجزات این عصر است که در
 طالع ترک نشان مجلس کنند در این ایام در سینه تا در هر حرکت و اثر
 این افسوس بگردانست نشان در هر اثر در شکر افکار و عقیمت این طالع
 سفونند از بگذاشتن متفکر در جرم بطور بوع اسکا با دیدار استی شخص
 اثر است با درج کردن و سودا در هر اثر از افعال بیاید
 در هر عقاید در هر جرمه بطور بوع اسکا با دیدار استی در هر اثر
 ۱۹۱۱ میلادی شخص اثر است با درج کردن و سودا در هر اثر از افعال بیاید
 داشته واحد از کثیر تعدادی چنین بکار در ... در سه سال قبل بواسطه
 مدافعه کدی است و در حقوق است در شدت مسافره عربین از برای اجود و عاف
 خویش بهائیان ایران ابد در امور سیاسی مدافعه نمودند بگه یکی خود را از دست
 در بگن نامی آنان مسوع میدانستند اسفندگت اینکایون ایران از بگن
 و جوین و تجار ایمان و سایر طبقات مردم را عقیدتین پوا که گویا یکی از
 طلبان و اعضاء پارلمان همان کسبیه سون است که رئیس بهائیان حضرت
 بهاء الله در ۱۸۶۳ میلادی از ناصرالدین شاه نوح سلطنت مطلقه منوال است
 حتی در ایران جعی از بگنین صاحب نفوذ و صاحب ممالک جمع از مردمان
 نادان را اغوا نمود تمام اعضاء مجلس بهائیان نام بهاء الله و حق در آن چنین جلیس
 دادند و بردمان نمودند که بهائیانرا مقصد جهان است که در دامن قاجار یکی سعده
 و صهیون نمایند بهائیانرا در نظر بعد است و دشمنی شهود داشتند از این جهت
 ساعت است در بان آن همه در قوفا زیاد شد تقسیمه کرد علی ش
 را مجبور کردند که در امور بهائیان رسید که نباید و الوار جید به نهار الدین شاه

حضرت مهدی و علت سر برکت میفرماید در توحی

سینه خود را در آنکه مسس کورین نزد علیها بهاء الله ای
 ای نه ترا خورده نام عقل شام خود گردید از منموم معلوم گردید که درین زمین
 مشرق تا در گذارند باشد این تر و نفوس از کرد آنهاست سرور حاصل شد جمالی
 اید چنین است که بگت جان شرق در کار اجبای الهی است باید و سلطنتی
 بگت بنا جمع شود بگت است و در سنگت اسان دست جبهه آنها آنگذاشته شود
 این تائید از برای اهل ترکیش اتمی حاصل کرد که تمام بگت در شکار و شکار
 بگتند تقسیمه شد شتر اشدک نام کول بگت و بگت جان گردید جمیع
 زبان و انار رحمان را بگت ابعه ای بعنه دار و شکست آنها با همی باغ
 آلوده دیگر میفرماید: " از سفرین با برکت مرقوم نمون بودید وقتی شد آنها را علم
 انبار را بدست بهائیان در شکار و شکار و سنگت اسان اسفند و حضور
 بهاء الله حاصل نماید از زمین شایقین بهائیان که مقصد جنسون بود "

مرقوم کردیم بود مطاعون بود و علاو بر آنها اکتفا کردن الواج که برای سایر
بهائیان مرقوم شده بود که قبل نمود پس از ملاحظه فهمید دولت در جمیع
اخبار که حضرت بهاء الله پیش از زنت در کتاب الواج خردان بود تمام
مطلق گردید و کاتبان و جبه اهمیت پیدا نمود که ماهران تدبیر مشایی که در سابق
باعث قتل و شکنجه و غمی جمیع بهائیان بود نود از مذهب ایشان با...
طرح دوستی انداختند و در او واسطه بین خود و عباس افندی نمود و با محبت
از حضرت عباس افندی تقاضای ثواب العالی نمود ولی عباس افندی ابدان کمال
بملکت خود تفرغ ندادن هیچ بهائیان ایران را که به آنجا راه جانان افندی و صاحبان
و اعیان دولت لوصی نوشت که بعضی از اشخاص از ممالک خارجه خواهند آمد
و در امور سیاسی دولت مداخله خواهند نمود و کلام بجای میاید برسد که دولت
حکایت نیاردن بسبب در پیشانی دولت وقت خواهد شد . حق عباس افندی
از دخول لشکر عثمانی در ساس و انگلیس در ایران و بسبب اختلاف آزادی و استقلال
را از پیش خردان است . از این جهت عباس افندی جمیع ناجین
خویش را از خردان در امور سیاسی سیر قدغن آکیده فرمود و ماضی شد که بهائیان
سبب فدا و مصلحت حال ایران گردند . و این مسدود معلوم و واضح است
که حال حافظه بهائیان تا بهشت سال قبل تقاضای کمالی نمود و بهر آنکه
برسد و آنرا از آن منبوه و حق در امر یکای استعالی و سایر ممالک امریکست
بیش برود افزون شد معصیه در ۸۳ م شهر اوقری و قضای جمیع پیش
عبد بهائیان زیاد است و قبول امر بهائی در شهری شدن و امریکست
منحصر بجوم خلق و متوسطین از مردم بل اعب و اکثر قبول کنند فضا
و علی و قبیل و میوزا هستند و روز بروز در تریزید است و عاقبت حال
و استقلال حال این طایفه بس تابند در دشمنی است و بهائیان که
صاحب جرات و محیی معتمد هستند و محاسن و محاسن آن زیاد و اضمحلال
بغایت وجه است و بهائیان صاحب ثروت امریکاست نهایت سستی و اضمحلال
ساختن یک شرق اندوکار در شهر شیکاگو هستند که در روی زمین خانجین
بانی حیدر نخواهد شد و آنچه ستمش و بیابش و تحسین کرد و ستمش و ستمش
ترقیات بهائیان امریکست با بران سزاست کرد و روز بروز در تریزید و بهائیان
ایرانی با بهائیان امریکست روابط و علاقه در نهایت در هر یک دستگیر است
و بسبب از طایفه شیعه مذہب که قلبهای آنان بواسطه بعضی سوهور است
و خرافات فبازیره گرفته بود و هنوز رندی را از شهر جانان و جابریهای موبوم نظر
نمودند از خواب غفلت بیدار شدند و در داخل کعبه بهاء الله داخل میشوند و حضرت
عباس افندی بر حسب محبت پدرش بهاء الله احوال جمیع بهائیان را احوال
نمود است و حق بواسطه استحکام روابط و علاقی بین بهائیان ایران و امریکست
تفرغ نکرده خودشان را به تبلیغ مشهور امریکائی جناب ستمه اسیر گریز
نمود است و بهر چنین بهائیان امریکست را امریکون است که بهائیان
ایران ترویج نمایند چنانکه جناب ... میفرماید امریکائی ترویج نمودن است

و از این قبیل علاقه و ارتباط روز بروز در بین آنان در مقام اجرا است ...
و در فضا و سایر اطراف الواج آن از دولت آن گرفته اند که علائق
و آشکار مردم را دولت نمایند و جمیع بهائیان که در روی کرده ارض هستند در حال
اند که تمام ممالک را در ارتباط کلی پیدا نمایند و عدل بهائیان مملکت عثمان
زیاد شده است و این در عاقبت سبب گردید که بر بزرگان امانی ایران
تأثیر نموده بدو جز که اغلب اکثر صاحب منصبان و اعیان مملکت در داخل این
امرد داخل میکنند و در حال حضور و حضور حضور حضرت عباس افندی سخن
زیادت شرف میشوند ... و بعد از شریعت و اجراء قانون سیاسی
در عثمانی عباس افندی از حسب آرزو شد و اکنون در مملکت آزاد مسخر
جمیع بهائیان الواج میفرسند تمام آنان را بحریه و آن مطلقیت امرینمایند

ترقی و پیشرفت امر بهائی در ستمه

همان قسم که در وقت آثار و بنو است و حال بهائی را حیرت افشان در گما سز
می خود افزایش بهمان دلیل هر امر جوانی باید ببینند که در تریزید و انا خود
در وقت خشک و ثانوی امر مرین بحسب سبب که در این زمان قصد جان است
که در نهایت اضمحلال چند نفره از ترقیات امری سال گذشته را برای
اطمینان قاعین از نظر بگذرانیم . اگر چه در چ مصلحت است دلیل پیشرفت امر بهائی
را چنانچه بیدار است باید ظاهر نیاید و بر آنکه وقت مانع از کسب
اقدامات کانیه است ولی در خصوص سبب که در زمان در جانان داریم
برون می آوریم و امید داریم که در ستمه است آئین جمیع محاسن بهائیان
شرق در ستمه قبل از یکه نوروز یکت را پورنی از ترقی سبب از در شهر
خود با درون نجم با خبر ارسال دارند تا حق المقدر را پورنی سبب
اینک کامل باشد و از هر جهت حشمت و جلال امر را در خاطر بطور
وضوح ظاهر سازد

عرب

اول سفر جناب سترلیکی استر استرزدن بدور عالم کحضر عاقبت باران
و تبلیغ و قبا و تبلیغ امر الله بدین مملکت بهترین مسائل سال گذشته بحسب
میشود زیرا عجز است از دستگشنگن حرکت و در جمیع شهرهای امریکست که بهائیان
هستند سسرزدن در یکس تمامت نمود و بعد از جز اثر هوو لولو و ثوابان
و چنین در راه و چند استان و از آنجا بارض منصور و کشور مبارک ترف شدند
از طرف اردبار حجت با امریکست نمودند این سفر فیم که در سبب طلب
کشید اولی اعظم سفر تبلیغ بهائی است زیرا از ایون در کشور امانی خطابه امریکست
نمودند در جز اثر هوو لولو سبب ان پشاه و بی حقیقت بهاء الله گویند در مملکت
چنین به مملکتان نجات الله را انشا در انداختند و حضرت عبد بهاء در ترقی است

را از پیش خردان است . از این جهت عباس افندی جمیع ناجین
خویش را از خردان در امور سیاسی سیر قدغن آکیده فرمود و ماضی شد که بهائیان
سبب فدا و مصلحت حال ایران گردند . و این مسدود معلوم و واضح است
که حال حافظه بهائیان تا بهشت سال قبل تقاضای کمالی نمود و بهر آنکه
برسد و آنرا از آن منبوه و حق در امر یکای استعالی و سایر ممالک امریکست
بیش برود افزون شد معصیه در ۸۳ م شهر اوقری و قضای جمیع پیش
عبد بهائیان زیاد است و قبول امر بهائی در شهری شدن و امریکست
منحصر بجوم خلق و متوسطین از مردم بل اعب و اکثر قبول کنند فضا
و علی و قبیل و میوزا هستند و روز بروز در تریزید است و عاقبت حال
و استقلال حال این طایفه بس تابند در دشمنی است و بهائیان که
صاحب جرات و محیی معتمد هستند و محاسن و محاسن آن زیاد و اضمحلال
بغایت وجه است و بهائیان صاحب ثروت امریکاست نهایت سستی و اضمحلال
ساختن یک شرق اندوکار در شهر شیکاگو هستند که در روی زمین خانجین
بانی حیدر نخواهد شد و آنچه ستمش و بیابش و تحسین کرد و ستمش و ستمش
ترقیات بهائیان امریکست با بران سزاست کرد و روز بروز در تریزید و بهائیان
ایرانی با بهائیان امریکست روابط و علاقه در نهایت در هر یک دستگیر است
و بسبب از طایفه شیعه مذہب که قلبهای آنان بواسطه بعضی سوهور است
و خرافات فبازیره گرفته بود و هنوز رندی را از شهر جانان و جابریهای موبوم نظر
نمودند از خواب غفلت بیدار شدند و در داخل کعبه بهاء الله داخل میشوند و حضرت
عباس افندی بر حسب محبت پدرش بهاء الله احوال جمیع بهائیان را احوال
نمود است و حق بواسطه استحکام روابط و علاقی بین بهائیان ایران و امریکست
تفرغ نکرده خودشان را به تبلیغ مشهور امریکائی جناب ستمه اسیر گریز
نمود است و بهر چنین بهائیان امریکست را امریکون است که بهائیان
ایران ترویج نمایند چنانکه جناب ... میفرماید امریکائی ترویج نمودن است

این سفر در عالم بسیار سرگشته شد. دوم تشکیل کهن تریب ایران در کیش
 درویشگن که خدایان در این قبیل وقت معارف ایران واقف
 بودند تجارت با این دولت خارج از این وقت داشتند
 را بودت غلبه آن در کتاب چاپ و از نظر کل خواهد گذشت. سوم
 دوم مجلس عمومی مجامع بهائیان در شیکاگو که جلسه ای روحانی آن به روز
 طول کشید و وقایع آن در کتابچه مخصوص چاپ و چند ماه قبل در اطراف شیکاگو
 انتشار گردید و مجلس سوم در راه بکر در ایام رضوان دو بار منعقد خواهد شد
 و بهائیان از جمیع اطراف و اکناف در آن نقطه جمع خواهند گشت. البته در طول
 وجود با ندانند بودن کردین زمین تیریا او شد و نزدی میاس گذاردن خواهد
 شد. چهارم. دو نفر از زنان بهائی دکتر امریکائی دکتر مودی در کراکات
 سفر ایران نمود و حال این دو را با آنکه در نهایت در آنجا در طهران
 مشغول معالجه مریضها هستند. ما حفظ کنید که محبت اربابا و الله بدر جهت قلب
 اینها را عاشق ایران نمود که وطن در دست و خلیس و راضی را در آن کرد و در
 خدمت نوع مستوند. پنجم. در سال قبل روزنامه پنج ماخر در اقی عرب طلوع گردید
 و قلوب بهائیان چهارم مرتط است و اعضای آن امید دارند که هر
 آن بقران و احوال رسد در مقام بدست خدایات بزرگ به نوع است
 و سبب اتحادی و معنوی حاد و با خیر گردد. ششم. دولت امریکاست
 پس نبرضات زیاد و در جلد کتاب معجز که دارای نام پنج جمع ایران موجود است
 ایالات متحد است چاپ انتشار نمود و شرح از تاریخ ابر بهائی و انتشار
 آن در ایالتک درج گردید است. هفتم این دو جلد کتاب مجتهد و جمیع
 ادارات روزنامه و کتب خانها و در اکثر معارف عالم میرود تا همین لایحه را
 بعضی بر تعالیم و نصایح این امر عالمگیر آگاه خواهند گشت. هشتم هر راه بل بر حضرت
 جبرئیل مجد است معجزه معالمتی منقول یا محقق در باب این امر چاپ نمود
 و مردم را از ظهور ملکوت الله آگاه داشته اند و خود بنسبت بیشتر از هر چیز
 وقت شمس را بسوی امر الهی جذب جماعه. نهم. بر در راه ادا شده اند
 بهائیان امریکاست که هنوز حضرت عیساها سفر گشته در وقت رحلت
 از محبت در آن مرکز میان خطا ناکفته و گناه بنویسند و با بنوا سطر قلب
 عشق محبوب حقیقی را شن شن شد و جمعی را از بر بفرز حق دعوت بمانند. دهم
 در راه قبل جنب ستر بن سطق غزالی در باب این بهاء الله در کفر و حکمی از ادوات
 و استغنین داد این سطق بی حد نوثر واقع گردید و س سعین طالب مجلس
 تعالیم الهی گشتند و پس از احق مقام مجلس کل با دهایی شاد و جهانهای تابناک
 بخانه های خود رجعت نمودند. یازدهم مجلس بهائیان سباه امریکای در
 و استغنین در این سال گذشته بر این شش از ادوات اغلب اوقات
 ناظرین فیج ایان حضرات را از غذای سعادتی سیر در ایام معنوی
 سیرب در سول اند و اولو هم. در این سال در عالم معارف بهائیان چند

کتابی مانند گل رخ بهائی با حیات و تعالیم عبدالبهاء در کتب فیج ایان
 سیاست بواسطه نامیرزا ابو جواد و در ایامی قره العین بواسطه سید
 و اصول معارف بهائیان بواسطه سس کپل و بسیاری کتابچه های غیره در
 انواع که موقوف ذکر است ظاهر و پدید آگشت و اتفاق قلوب را از ادوات
 بیانات آن روشن ساختند. سیزدهم. گرین عکا که محل تابستان
 و هر سال در آنجا تبلیغ امر الله بشود مانند فصل باقیه در تابستان باز در
 سبغین بهائی مانند ستر مری و چند نفر دیگر در آنجا حاضر شدند و ملاقات
 قدس را بنمودند و جمعی را از خواب غفلت بیدار کردند. چهاردهم
 در زمستان گذشته جناب دکتر را من فرید محل اقامت خود را در استغنین
 در ادوات اغلب اوقات در حضور جمیع بهائیان سفید و محفل اجامی
 و مجلس دیگر از امر الله خطاب گفته و خیلی سفید و نریجه واقع گشت و حال
 است چهار هفته است که محض تبلیغ امر الله و اجرای خدایات لازم عازم
 شیکاگو و از آنجا بکالیفرنیا سفر خواهند نمود. پانزدهم بشهر امر الله
 در مالت فرانسه آلمان و انگلیس پیش رئیس های خود
 در لراضی قلوب در آیند و لذات آن سس بازن و ستر در نفوس از
 پاریس و لذات آن سس نو مالت و لذات آن سس بهائیان لندن این
 مات مدح بخش برسد که مجلس هفتگی برقرار و مردم در نهایت
 از آدی در دخل گشته گوش هموش بر کلمات الهی و بیانات سبغین
 بند. شانزدهم. مجله ایجن فنون شاهنشاهی لندن که یکی از
 اعظم ایجن های انگلستان است در یک نشانه مخصوص مقاله بهائیان
 ستر بر بار و نیل سیاح را درج نمود و انتقال بسبب بیداری نفوس
 بسیاری گردید و ستر روزنامه محبوبیات از نقل نمود امر الله از
 جهات زیاد شهرت برسی یافت. سیزدهم. جناب ستر در نفوس از
 پاریس سعری با بیانات متحد نمود و از شهرهای استغنین و نیویورک و شیکاگو
 و گرین عکا عبور کردن در هر یک از مجلس بهائیان داخل گشته خطاب در باب
 اسفار امری خود به هندوستان و ایران را بجهت بیدار کردن مردم و
 از اصول همه بهائیان آگاه است. این بود خلاصه از چند فقره و وقایع این
 سال گذشته در ممالک غرب.

تصفیه معالمت امری
 حکم با خیر از قدای امر در ممالک شرقی خواهد شد و باید که معالمت در شرح خارج نقطه
 جهان الله عبدالبهاء برای چاپ و انتشار در آن بانس غیره مرقوم دارند. این معالمت
 باید تقریباً هر یک سس صغیر و در ایام به سطر و سطر در ایام با کفر باشد
 عبارات سس و سس از سس که کلماتش در کتب جدید درج و قلم با نریجه است
 نوشتن این کلمات در ایام بهائیان سس خواهد بود. پس از حصول در آن وقت
 بهترین و بیخ ترین آن قبول در صحبت با خیر بهائیان سس و سس و سس و سس
 و سس از آن سس که سس خواهد شد